خواه گیرد بگوش خود یا نی
مبلغا حق هند باطل
نیز در نسخهای اهل دین
یعنی این مسح نزد اهل این
باشد او ضال مبتدع مطلق
هست ماخوذ آنجا کس جل
یعنی شیخ الامام قاضیخان
از صحابه هر آنکه گرد انکار
بنت مسح شرط تعین کرد
در کتاب هدایه تعین است
بیت جایز بغسل سازند
پای خود شسته موزه پوشند کسی
نیز در کافی ذکر شد اینی
لیک با شست موزه کرد بپا
نتوان مسح نزد جمله شنید
انکه یک پای خویش غسل آورد
لبس موزه کرد از آن لبس
شارح مختصر شریعت طی
پوشد شی هر دو گوزه پایان
حکم او را نوشت چون مسطور
مانع مسح بار ره بکستر

امر برد زد لی میخوانند

در بیان مسح موزه

مسح بر موزه جایز است قول
هست قایم مقام با شستی
گر کسی مسح را ندید درست
چونکه از مسح غسل است افضل
هر که بر موزه مسح کرد الحال
گشت در آن سخن ورا
لیک چند از شرط بسیار زد عرض
نیز در سایر کتب اینست
شرط باشد ز عالمان عظام
کرد قبل از حدث خود لبس
شافعی گفت غیر جایز نی
تا یتم وضو نکرده ادا
نیز در این کتب اگر ده
بهمه های پای لبس موزه کرد
نزد ما جایز است مسح بر آن
گفت عبد العلی و غیر و
ظاهر از تحت کعب او ما
لیک اینرا هدایه مشهور
نیز عبد العلی و غیر ان

گر نکو بینداز دوام حل
در کتاب هدایه شد تعین
نیز داهل سنن بقول رسول
احمل کس مسح را نه پسندد
بعظمت برفت بار اشهت
در رفتار خویش کرد بیان
کرخی گفت بیم خوف شمار
از عقاب فوانه نقل او کرد
بیت مسح خف نباشد فرض
مسح باشد بحدثین بند
لبس موزه بود بطهر تمام
مسح برا جواز نزد ما
کند او هم دلیل ما تعین
بجای کس اگر حدث برسید
می نکردی وضو مسلمان
بعد آن دگر که اشست لبس
شافعی گفت غیر جایز دان
شرط دیگر که موزه باد صاف
هست گرز به اصابع با
گفت بر قول شافعی زفر
کرد در شرح مختصر تعین

خف

خف همان است استند شن نظن
مسح جایز اگر چنین باشد
هم بقول ائمه فاروق
قدر اصبع ز اصبعین مگر
جلد اگر متصل بجاروق باز
مسح بر وی بغیر جایز هست
لیک در نزد بزرگان بخار
گرد ثخنین منعلین بود
مسح جایز نوشت عندهما
منعلین مجلدین را ای
یحیی بزرگان در آفاق
کوشش بسیار ندا گر فهمند
گر رقیق است غیر منعل و
مسح بر وی چنانچه کرد بیان
از نظام امام خلق نواز
کرد عبد العلی ادش کور
این سخن ظاهر روایت وال
در عبادت که راحوط از این
جورب از مرغز است صوف روایت
جایز مسح نیست با تحقیق
جورب ار بود دست اگر کرباس

یعنی بر پا فی غیر بر بستی
آنچه قول ائمه دین است
مسح جایز بآنجا چاروق
لیک چاروق چنین نباشد اکم
بوده باشد بجز مسح جواز
گر کنند بالفافه ستر قدم
جایز مسح هست در این بار
گر بود غیر منعلین رقیق
لیک در نزد بو حنیفه لا
مسح جایز بود لقولهما
یحیی ای است استند شن رقیق
بو المکارم بزرگ دین پرورد
یعنی جورب نوشت آن ز که ط
گفت از مضمرات آن کامل
مسح بر وی باتفاق جواز
معنی منعل انچنین و داشت
لیک زحسن شد از نعمان
باز صاحب خلاصه آنچه مرد
بنود مسح عندهما جایز
لیک مستمسک سخن بود
جایز مسح ناکه بار ز دنال

نیز او ممکن است بود باشد
در خلاصه کتاب تعیین است
نماید ز تحت کعب اگر
لیک باشد بجلد ستر قدم
لیک آن جلد را بجز است
از ثخن قندیلان جواز او هم
مسح جایز بجوربین بود
در خلاصه نوشت با تحقیق
گفت صدر الشریعه فقها
لیک سخن هم از وبه یقین
غیر انکه بجزی بربندند
از خزانه روایتی آورد
که بالجماع غیر جایز دان
جورب ار خلد است او منعل
از فتاوی قاضیخان مشهور
برته او که جلد بنهاد است
لایق آن است باد از کعبین
در رفتار خویش تعیین کرد
جورب ار خز بوده است رقیق
هم در اینجا خلاف فرموده
لیک جورب اگر بود و

Copyright © King Saud University